



مدارای علمی عامل شکوفایی تمدن اسلامی طی قرون سوم تا هفتم بود

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه مدارای علمی عامل شکوفایی تمدن اسلامی در قرون 3 تا 7 بوده است، گفت: ما آنچه را که اومانیست می‌گوید نمی‌پذیریم اما همه آنرا نیز رد نمی‌کنیم در حقیقت ما می‌گوییم وحی در جاهایی می‌گوید یک حقایقی است که تنها من می‌توانم آنرا معرفی کنم.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه مدارای علمی عامل شکوفایی تمدن اسلامی در قرون 3 تا 7 بوده است، گفت: ما آنچه را که اومانیست می‌گوید نمی‌پذیریم اما همه آنرا نیز رد نمی‌کنیم در حقیقت ما می‌گوییم وحی در جاهایی می‌گوید یک حقایقی است که تنها من می‌توانم آنرا معرفی کنم.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در برنامه شب آسمانی شبکه قرآن و معارف سیما بیان داشت: همان طور که در علوم تجربی رابطه بین گزاره‌ها تعریف می‌شود در علوم انسانی نیز روابط بین پدیده‌های انسانی بررسی می‌شود و در کل می‌توان گفت که علوم انسانی یک معنای عام دارد و یک معنای خاص معنای عام آن علمی مانند فلسفه و ادبیات و علوم اجتماعی و روانشناسی و حتی رشته‌های هنر و معماری را در حوزه خود جا می‌دهد اما معنای خاص آن منحصر به رفتارهای انسانی است.

وی ادامه داد: علوم انسانی مدرن از قرن نوزدهم آغاز شده است این علوم که در عصر مدرن شکل گرفته است شبکه‌ای است از سه بخش توصیف انسان مطلوب، توصیف انسان محقق و چگونگی تبدیل انسان محقق به انسان مطلوب.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: در رابطه با بخش اول که توصیف انسان مطلوب است این توصیف از مکاتب علوم انسانی و فلسفه به دست می‌آید حتی در بعضی مکاتب نیز تعریف‌های متفاوتی از انسان مطلوب وجود دارد البته منظور از انسان مطلوب انسان کامل نیست بلکه منظور انسان سالم است و این سلامت در هر حوزه تعریف می‌شود

وی اظهار داشت: در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا در علوم انسانی ما حکمت و فلسفه اسلامی خواهیم داشت و جواب این است که بله قطعاً حکمت و فلسفه اسلامی داریم ما در آموزه‌های خود برای انسان قائل به فطرت هستیم و انسان مطلوب را نیز براساس فطرت توصیف می‌کنیم.

وی افزود: در توصیف و تعریف انسان محقق نیز جامعه بررسی می‌شود و در این میان از تحقیقات میدانی بهره می‌بریم ولی این که چه پرسشی از پدیده انسانی بپرسیم به پیش فرض دینی و غیر دینی مربوط خواهد شد در رابطه با تغییر انسان محقق به مطلوب نیز فقه و اخلاق و حتی عرفان بسیار تأثیرگذار بوده‌اند حتی در مشکلات بالینی نیز عرفان‌های عملی بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

خسروپناه تأکید کرد: سخن در این است که جریان سکولار و جریان اومانیست نسبت به آموزه‌های آسمانی و الهی قید به شرط لا گذاشته‌اند و می‌گویند ما در حوزه عقل و تجربه گام برمی‌داریم اما نیاز به وحی نداریم حتی ممکن است که این افراد به کلیسا و مسجد هم بروند اما در ساخت علوم انسانی دایره قرمزشان عقل و تجربه و عرف است.

وی گفت: ما نیز نمی‌گوئیم از وحی استفاده شود اما عقل و تجربه و عرف تعطیل باشد ما حرف ما این است که علوم انسانی انسان را به کانون توجه قرار داده و این درست است اما دین نیز مخاطبش انسان است. بنابراین همان طور که برای شناخت انسان به عقل و تجربه نیاز داریم و باید از عرف نیز استفاده کنیم، همین گونه نیز بسیاری از حقایق انسانی است که تنها از طریق منبع وحیانی می‌توان آنرا شناخت.

این استاد فلسفه اظهار داشت: وحی هم ارزش معرفتی دارد بسیاری از روابط انسان‌ها بین عمل دنیوی و نتایج دنیوی و اخروی از طریق عقل و تجربه تعریف نمی‌شود و تنها می‌توان از طریق وحی آن را تعریف کرد مانند این که در دین ما آمده که صله رحم عمر را طولانی می‌کند.

وی تصریح کرد: ما آنچه را که اومانیست می‌گوید نمی‌پذیریم اما همه آنرا نیز رد نمی‌کنیم در حقیقت ما می‌گوییم وحی در جاهایی می‌گوید یک حقایقی است که تنها من می‌توانم آنرا معرفی کنم.

حجت الاسلام خسروپناه در پایان سخنانش تصریح کرد: من امیدوارم که حوزویان و دانشگاهیان با سعه صدر این مسائل را دنبال کنند بعضی متأسفانه یک مطلب را پذیرفته و دیگر مطالب را اصلاً قبول نداشته رد کرده و انتقاد نیز نمی‌پذیرند در صورتی که به نظر من اگر به اوج شکوفایی تمدن اسلامی که از قرن 3 تا 7 بوده نگاه بیفکنیم متوجه خواهیم شد که این شکوفایی نتیجه مدارای علمی بوده است.